

بررسی مدخل «وحی» در دایرة المعارف اولیور لیمن*

حسین علوی مهر** و عبدالقادر محمدبلو***

چکیده

این نوشتار به معرفی و نقد مدخل «وحی» (Revelation) از دایرة المعارف قرآنی ویراسته پروفیسور الیور لیمن (Oliver Leaman) که توسط دکتر عبدالله سعید نگاشته شده است، می‌پردازد. نوشته حاضر، پس از معرفی اجمالی کتاب دایرة المعارف قرآنی الیور لیمن و نگارنده مدخل «وحی» به ارائه گزارش مختصر از ترجمه متن آن مدخل پرداخته و سپس آن را با دلایل عقلی و نقلی و تاریخی مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. بررسی انجام شده، نشان می‌دهد که این مدخل گرچه از این جهت که تلاشی برای بیان پدیده وحی به مخاطب و ذکر مطالب مهم و مفصل مربوط به آن بحث؛ روان بودن زبان؛ مستند بودن مطالب؛ منطقی ساختار مقاله، قابل تقدیر است، ولی از جهات مختلفی هم چون جامع نبودن تعریف؛ ادعای شباهت شعر با وحی؛ عدم تمایز بین مراد از کتاب‌های مقدس؛ اکتفا نمودن به نظریه علمای اهل سنت در این بحث و انحصاری بودن زبان قرآن به زبان عرف عام از کاستی‌های آن به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: مدخل وحی، قرآن مجید، دایرة المعارف الیور لیمن، عبدالله سعید، مستشرقان، تأثیر پذیری.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸.

** دانشیار جامعه المصطفی العالمیه و عضو هیئت علمی پاره وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی (نویسنده مسئول): halavimehr5@gmail.com

*** کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی جامعه المصطفی العالمیه: salati4all@gmail.com

بی‌شک یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل در تمام ادیان آسمانی مسئله وحی است؛ زیرا که وحی رسالی، پایه و اساس دین و رسالت پیامبران و رسولان الهی ﷺ و مرز جدایی بین معرفت دینی با اندیشه‌ها و فرهنگ‌های ساخته بشری است. این مسئله در واقع از دیرباز و هم‌زمان با تمدن بشری بوده است، چرا که طبق آیه ۲۴ سوره فاطر، هیچ امتی در جهان نبوده است که خداوند متعال بر اساس لطف بی‌نظیر خویش پیامبری و نذیری را به آن‌ها نفرستاده باشد: ﴿... وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾؛ «و هیچ امتی نبوده مگر آن‌که در میان آنان بیم‌دهنده‌ای گذاشته است».

علاوه بر این، کاربرد واژه وحی در متون دینی و غیر دینی پیش از اسلام نشان دهنده بر این که ملت‌ها و ادیان مختلفی با این واژه و معنای آن مانوس شده بودند. در همه ادیان آسمانی سابقه وحی داشته و بارها در کتاب‌های مقدس پیشین پیرامون وحی و ویژگی‌های آن آمده است. در قرآن مجید، واژه وحی و مشتقات آن حدود ۷۸ بار به کار رفته است که برخی از آن مربوط به معنای اصطلاحی (یعنی وحی رسالی) آن است (علوی مهر، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، ۱۳۹۴: ۸۰).

در اسلام، وحی در حقیقت، نوع ارتباط انسان با خداوند متعال و عالم ماوراء طبیعت است که فهم حقیقت آن برای انسان معمولی ممکن نیست؛ زیرا ابزار درک ماوراء طبیعت را در اختیار ندارد. البته با توجه به چند بعدی بودی انسان، امکان برقراری ارتباط افراد خاصی با عالم مافوق طبیعی، پدیده وحی در میان ادیان الهی قابل انکار نیست. خداوند متعال در آیه ۱۶۳ سوره نساء می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زُبُورًا﴾؛ «ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داود، زبور دادیم».

لازم به ذکر است معانی گوناگونی نزد ارباب لغت و زبان دانان عرب برای واژه وحی و مشتقات آن ذکر شده است که از جمله: «اشاره یا اشاره سریع»، «نوشتن»، «خط»، «رسالت و پیام»، «ذبح کردن»، «الهام»، «در دل افکندن»، «کلام و سخن گفتن پنهانی»، «القاء و افکندن مطلبی به دیگری»، «بر انگیختن»، «سرعت، شتاب و مبادرت به انجام کاری»، «صدا» و «آتش» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۷۹/۱۵؛ راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲: ۸۵۸؛ جوهری، الصحاح، ۱۳۷۶: ۶/۲۵۲۰). البته معنای اصلی وحی همان سرعت و خفاء است و کاربرد وحی

در سایر معانی به صورت مشترک معنوی است نه مشترک لفظی (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲: ۸۵۸؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۶/۹۳). اما وحی در اصطلاح قرآن پژوهان و مفسران تعریف‌های متعددی ارائه شده و از جمله: «وحی عبارت است از القاء کلام و اعلام پنهانی و سریع در امور دین و شریعت خاصی از جانب خداوند به پیامبران خود» (علوی‌مهر، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، ۱۳۹۴: ۳۷). بنابراین، وحی اصطلاحی همان وحی رسالی است و هرگاه آن را مطلق و بدون قرینه استفاده شده باشد بر وحی رسالی دلالت دارد.

معرفی اجمالی کتاب «دائرة المعارف قرآنی» الیورلیمن

این دانشنامه با عنوان «قرآن: یک دائرة المعارف» ((The Qur'an: An Encyclopedia شناخته شده است و آن را یکی از دائرة المعارف‌های انگلیسی زبان در زمینه قرآن مجید است که توسط اسلام‌شناسان غربی و شرقی و با سر ویراستار پروفیسور الیورلیمن در سال ۲۰۰۵ میلادی نوشته شده و در یک جلد توسط انتشارات راتلج در آمریکا و کانادا منتشر شده است. این دانشنامه با ۴۶۸ مدخل اصلی و ارجاعی در ۸۰۰ صفحه توسط هشت نفر عضو هیئت تحریریه و چهل و سه نگارنده بین المللی از اساتید دانشگاه‌های ۱۴ کشور جهان تدوین شده که متن اصلی آن را به ترتیب حروف الفبایی انگلیسی (A تا Z) نگاشته شده است. عده‌ای از نویسندگان این کتاب مسلمان و عده‌ای نیز غیرمسلمان هستند. و عده‌ای از نویسندگان افرادی هستند که به هیچ دینی اعتقاد ندارند ولی همه آن‌ها درباره قرآن کریم کنجکاوند.

بر اساس نظریه برخی از دانش‌مندان و محققان، این کتاب به عنوان دومین دائرة المعارف که توسط مستشرقان پیرامون قرآن مجید به چاپ رسیده، شناخته شده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از این مدخل‌های این کتاب گاه به صورت علمی و مفصل پرداخته شده است و گاه مدخل‌هایی نیز وجود دارند که مفاهیم و نظریات مربوط به آن مختصر بیان شده است. بنابراین، کم بودن حجم مدخل، ساده بودن زبان، ارائه بیشتر مدخل‌ها با واژه‌های قرآنی و توجه به مکتب تشیع و برخی شخصیت‌های آن از نقاط قوت و مثبت این کتاب می‌باشد. هم‌چنین عدم ذکر منابع در اواخر برخی مدخل‌ها، کم توجهی به مفاهیم مهمی قرآن، نداشتن نظام جامع در مدخل‌ها از نقاط ضعف و کاستی‌های این کتاب به شمار می‌آید. لازم به ذکر است که این کتاب «دائرة المعارف قرآنی» الیورلیمن تاکنون به طور کامل به زبان‌های دیگری دنیا ترجمه نشده است ولی از ابتداء تا زمان معاصر تحقیقات و پژوهشی علمی فراوانی پیرامون برخی از مدخل‌های آن توسط اندیشمندان و محققان انجام شده است.

گزارش مختصر از مدخل «وحی»

لازم به ذکر است که پیش از معرفی اجمالی و بررسی مدخل «وحی» در دائرة المعارف قرآنی الیورلیمین سزاور است که در ابتدا به گزارش مختصر از نگارنده و مدخل «وحی» ارائه شده باشد و سپس با دلایل عقلی و نقلی آن را مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

۱. زندگی‌نامه نویسنده مقاله «وحی» (Revelation)

مقاله «وحی» (Revelation) در دائرة المعارف قرآنی الیورلیمین توسط دکتر عبدالله سعید نوشته شده است. وی پروفیسور دانشگاهی و پژوهشگر علوم اسلامی استرالیایی است که از سال ۲۰۰۴ میلادی تا حال حاضر پروفیسور زبان عربی و مطالعات اسلامی سلطان عُمان در دانشگاه ملبورن است. دکتر عبدالله سعید مدیر مرکز ملی مطالعات اسلامی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه ملبورن استرالیا می‌باشد. دکتر عبدالله سعید در مالدیو متولد شد و در سال ۱۹۸۶ میلادی با مدرک لیسانس در زبان عربی و مطالعات اسلامی از دانشگاه مدینه، عربستان فارغ التحصیل شد. و مدارک فوق لیسانس در رشته زبان شناسی کاربردی و دکتری در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه ملبورن، استرالیا در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ میلادی به ترتیب گرفته است.

آقای عبدالله سعید چندین آثار را با زبان انگلیسی نویست و ویرایش کرده است و نشریات اخیر او عبارتند از: خواندن قرآن در قرن بیستم؛ به سوی رویکرد متنی (Routledge در سال ۲۰۱۴م)؛ اسلام و حقوق بشر (ویرایش شده، ادوارد الگار در سال ۲۰۱۲م)؛ تفکر سیاسی و حکومت اسلامی (ویرایش Routledge در سال ۲۰۱۰م)؛ مقدمه قرآن (Routledge در سال ۲۰۰۸م)؛ تفکر اسلامی (Routledge در سال ۲۰۰۶م)؛ تفسیر قرآن: به رویکرد معاصر، (Routledge در سال ۲۰۰۶م)؛ رویکردهای قرآن در اندونزی معاصر (ویرایشگر)، دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۰۵م؛ آزادی مذهب: ارتداد و اسلام (همکار)، Ashgate در ۲۰۰۴م؛ اسلام در استرالیا، آلن و اونوین در ۲۰۰۳ (رک: / / www. findanexpert. unimelb. edu. au/ (display/ person13483).

۲. گزارش مختصر از ترجمه مقاله «وحی» (Revelation)

مقاله «وحی» (Revelation) در صفحات ۵۴۰ تا ۵۴۳ دائرة المعارف قرآنی الیورلیمین نگارش شده است. اما با توجه به طولانی بودن مدخل، به خلاصه‌ای از مطالب مهمی در آن اشاره می‌کنیم و تحت عناوین ذیل دسته بندی شده است:

تعریف وحی

نگارنده در ابتداء این مقاله واژه وحی را هم در لغت و هم در اصطلاحی تعریف کرده و چنین نوشته است: «وحی واژه عربی که به معنای القا یا الهام است. در معنای اصطلاحی، وحی به عنوان کلام خدا که به پیامبران و رسولان خود القا شده، شناخته می‌شود. هم چنین آن می‌تواند به معنای کتاب آسمانی که به پیامبران خاص القا شده، باشد: تورات به موسی، انجیل به عیسی و قرآن به محمد (که در سال ۶۱۰ میلادی آغاز شد و تا زمان مرگ وی در ۶۳۲ ادامه یافت)» (Leaman, The Qur'an: An Encyclopedia, p. 540).

شباهت شعر با وحی

آقای عبدالله در لا به لای این مقاله ادعا کرد که عرب‌های عصر جاهلی با شعر و سجع الکاهن (متن فال‌گیران) که در عربی بودن متن؛ خلاقانه بودن؛ سبک و ساختار شباهت دارد؛ با متن قرآن آشنا بودند. بر این اساس پیامبر را متهم به شاعر و ساحر و مجنون (جن زده) کردند و نیز وی می‌نویسد: «... مردم مکه در زمان حضرت محمد، نزول قرآن را بر اساس مبنای درک خود از «الهام» قضاوت کردند. دو نوع متن که با آن آشنا بودند و به نظر آن‌ها، شباهت دارد به متن جدید (قرآن): شعر عربی و سجع الکاهن... لذا از نگاه آن‌ها، قرآن مانند شعر بود که برخی از ویژگی‌های آن را دارد. هر دو به زبان عربی بیان شده است. هر دو دارای ویژگی‌های خلاقانه خود بودند که مردم عادی نمی‌توانستند آن را بدون حمایت از «منبع بالاتر» ترویج کنند. هر دو ویژگی‌های سبک و ساختار منحصر به فرد داشتند که جزء زبان مردم عادی نبود» (همان، ۵۴۰).

عدم انحصار وحی به پیامبران

نگارنده این مدخل استعمال وحی در قرآن مجید را هم شامل انتقال پیام از خداوند متعال به انسان و هم غیرانسان می‌داند. و این استعمال در واقع منحصر به پیامبران خدا نیست وی می‌نویسد: «... تعداد بسیاری از آیات قرآن مستقیماً به مفهوم وحی اطلاق شده؛ خواه وحی به حضرت محمد است و خواه وحی به پیامبران دیگر. قرآن کلمه وحی و مشتقات آن را در چندین مورد که هم در دوره‌های مکه و هم مدینه، استفاده کرده است. این اصطلاحات در بیشتر موارد به معنای انتقال پیام از خدا به انسان یا به غیر انسان است. این استعمال نشان می‌دهد که وحی فقط منحصر به رابطه میان خدا و پیامبرانش نیست» (همان، ۵۴۱).

کاربردهای مختلف وحی در قرآن

نگارنده این مقاله بر اساس آیات قرآنی به برخی از کاربردهای مهم واژه وحی در قرآن مجید از جمله وحی به اشیای بی جان؛ وحی به حیوانات؛ وحی به مادر حضرت موسی؛ وحی به فرشتگان اشاره کرده و نوشته: «... در واقع، انواع مختلف وحی در قرآن ذکر شده: وحی به اشیای بی جان (زلزله/ ۵-۴؛ فصلت/ ۱۲)؛ به حیوانات (نحل/ ۶۸-۹)؛ بشر به طور عام مانند مادر موسی (قصص/ ۷)؛ به ویژه پیامبران، مانند عیسی (مائده/ ۱۱۱؛ نساء/ ۱۶۳)؛ و به فرشتگان (انفال/ ۱۲)» (همان، ۵۴۱).

کیفیت نزول وحی رسالی

آقای عبدالله سعید کیفیت القای وحی به پیامبران را طبق آیه ۵۱ سوره شوری به سه قسم اساسی (یعنی وحی مستقیم؛ وحی از پشت پرده و وحی به وسیله فرشته) تقسیم کرده و چنین بیان کرده است: «... قرآن برخی جزئیات را در مورد نحوه القای وحی از طرف خداوند به انسان ارائه می دهد: «هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب غیب یا رسولی [چون فرشته] می فرستد؛ پس فرشته به اذن او آن چه را بخواهد وحی می کند» (شوری/ ۵۱). فوری ترین نوع (روش) ارتباط به طور مستقیم از خداوند به شخص مورد نظر، بدون صدا یا فرشته می آید. کسی که آن را دریافت می کند پیام را می فهمد که آن از جانب خدا است. روش دوم، از پشت حجاب است، بدین معناست که خداوند به وسیله یک رسانه دیگر مانند یک رؤیا یا خواب پیام را به یک فرد می گوید. بهترین مثال این، سخن خداوند به موسی از پشت بوته می باشد. روش سوم، از طریق یک پیام آور (فرشته ای) که آن را به عنوان محکم ترین و واضح ترین نوع وحی است، هر چند ارتباط مستقیم با خدا در آن کمتر باشد» (همان، ۵۴۱).

خطاناپذیری در دریافت و ابلاغ وحی (قرآن)

نگارنده در بیان سومین روش القای وحی به پیامبران (یعنی وحی به وسیله فرشته) اشاره می کند که آن نوع از وحی به نظریه اکثریت متکلمان مسلمان شایع ترین نوع نزول قرآن بر پیامبر اکرم بود. لذا قرآن به صورت دقیق و بدون هیچ تغییری توسط رسول گرامی اسلام ﷺ دریافت شده و چنین می نویسد: «... به نظر آن ها، فرشته کلام خداوند را کلمه به کلمه (به صورت دقیق) و بدون هیچ تغییری برای پیامبر آورده است؛ در زبانی که پیامبر می تواند بفهمد، یعنی زبان عربی (شعراء/ ۱۹۵)» (همان، ۵۴۱).

هم‌چنین با اشاره به آیات قرآنی به این نکته‌ای که پیامبر نیز بدون هیچ تغییری در آن به مردم ابلاغ کرده، اشاره می‌کند: «... در مورد دخالت انسانی در نزول قرآن، قرآن تأکید می‌کند که پیامبر تنها برای دریافت متن مقدس ماموریت داشت و هیچ مجوزی در تغییر آن ندارد... با واسطه‌ای، پیامبر این پیام عربی (قرآن) را دریافت کرده و به طوری دقیق (کلمه به کلمه) به پیروانش ابلاغ می‌کرد، که آن‌ها نیز برای نسل‌های بعدی آن را ابلاغ می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این انتقال، انتقال یک پیام دقیق در همان قالب که نازل شده بود محسوب می‌شود. به این ترتیب، وحی در اندیشه مسلمان مساوی با یک تئوری یا نظریه املائی وحی است» (همان، ۵۴۱).

وحيانی بودن متن وحی

نگارنده مقاله بر این که هم لفظ و هم معنای (هر دو) قرآن مجید به صورت دقیق از طرف خداوند متعال نازل شده، اشاره کرده است و چنین نوشته: «... وحی از منظر قرآن، ابتکار خداوند است که بر اساس اراده خود به پیامبری که بشر است ارسال شده است. اگرچه حضرت محمد گیرنده وحی بود، اما او فقط یک تماشاگر منفعل نبود، بلکه او فعال بود. البته این به آن معنا نیست که او محتوا وحی را سروده باشد، ولی به این معنا که او وحی را در آگاهی کامل دریافت کرده، و عظمت حضور کلام خداوند را در قلبش مشاهده (احساس) می‌کند» (همان، ۵۴۲).

افزون بر آن، با استناد به آیات قرآن، وی برای اثبات الهی بودن ساختار قرآن از دلایلی هم‌چون عدم وجود اختلاف و تناقضات در متن قرآن و تحدی کردن مخالفان خود به آوردن مثل، اشاره کرده و چنین می‌نویسد: «... در آیه ۲۳ سوره بقره، قرآن با کسانی که آن را صرفاً سخنان محمد در نظر می‌گیرند، برای آوردن یک کتاب مثل آن و یا حتی یک سوره همانند آن را تحدی می‌کند. قرآن استدلال می‌کند که اگر آن از منبع دیگری غیر از خدا بود، در متن آن تناقضات و اختلافات زیادی پیدا می‌شد. اما این صرفاً از جانب خدا است تا مردم بتوانند از طهارت آن درس بگیرند: آیا به قرآن [عمیقاً] نمی‌اندیشند؟ چنان‌چه از سوی غیر خدا بود، همانا در آن اختلاف و ناهم‌گونی بسیاری می‌یافتند (نساء/ ۸۲)» (همان، ۵۴۱).

امکان فهم قرآن (زبان قرآن)

۶۷ با استناد به آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵ سوره شعراء، نگارنده بر این که قرآن مجید به زبان روشن و قابل فهم برای مردم عادی نازل کرده، اشاره کرد. لذا به نظر می‌رسد که زبان قرآن طبق نظریه خود، زبان عامی است که همه مردم می‌فهمند: «... فرشته با پیام مستقیمی در زبان عربی ارسال شده است، نه صرفاً با معانی و ایده‌ها. و در نظر گرفته شده بود که آن بلافاصله قابل درک برای مردم عادی است، و بی تردید این قرآن، نازل شده پروردگار جهانیان است، که روح الامین آن را نازل کرده است، بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی، به زبان عربی روشن و گویا (شعراء/ ۱۹۲-۱۹۵)» (همان، ۵۴۱).

قدیم یا حادث بودن قرآن

در این مقاله، نگارنده نظریه دو مذهب کلامی اهل سنت را در مورد مخلوق بودن یا غیرمخلوق بودن قرآن اشاره کرده: «... برخی از متکلمان، به ویژه معتزله‌ها، مخلوق نبودن کلام خدا در قرآن را اصلاً باور ندارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که گرچه قرآن کلام خدا است، اما مخلوق است. مخالفان آن‌ها، متکلمین اشعریه، استدلال کردند که قرآن به عنوان کلام خداوند نباید «مخلوق» باشد. با این حال، حتی برای اشعری‌ها «مخلوق نبودن» قرآن را بدون دلیل نباید پذیرفت» (همان، ۵۴۲).

قرآن، وحی گفتاری است

دکتر عبدالله سعید در قسمتی از این مقاله به دیدگاه اساسی اسلام از وحی به عنوان پیام خاصی که به صورت گزاره‌ها و جملات معنادار بر پیامبر خود القا کرده، اشاره می‌کند: «... دیدگاه اصلی وحی در اسلام آن است که زبان را یک جنبه اساسی از محتوای وحی می‌داند. بنابراین، کلمات قرآن همان وحی شفاهی است که بر پیامبر فرستاده شده است... بنابراین، به نظر می‌رسد که این انتقال، انتقال یک پیام دقیق در همان قالب که نازل شده بود محسوب می‌شود. به این ترتیب، وحی در اندیشه مسلمان مساوی با یک تئوری یا نظریه املائی وحی است» (همان، ۵۴۲). و در پایان بررسی وحی در آراء متفکران معاصر هم چون فضل الرحمان محقق پاکستانی آمریکایی می‌باشد که بر ارتباط تنگاتنگ قرآن و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی وحی اشاره دارد. (همان)

بررسی و نقد مدخل «وحی»

پس از ارائه مطالب مهم مدخل وحی دایره المعارف الیورلیمن، لازم است که با استناد به دلایل عقلی و نقلی ارزیابی و نقد شود تا نقاط مثبت و هم نقاط منفی آن را روشن گردد.

یک. نقاط قوت و مثبت

وجود مدخل مفصلی برای پدیده وحی که در واقع یکی از طولانی‌ترین مدخل این کتاب و توسط یک دانشمند مسلمان نوشته شده، قابل ستایش است. بنابراین، تلاش در جهت ارائه اطلاعات نسبتاً مفید و جامع، در معرفی مسئله وحی، کاری بسیار قابل تمجید است. از جمله نقاط مثبت این مقاله: بیان معنای لغوی و اصطلاحی وحی؛ کاربردهای مختلف وحی در قرآن؛ اقسام وحی رسالی؛ خطاناپذیری در دریافت و ابلاغ وحی؛ الهی بودن لفظ و معنای قرآن؛ عدم وجود اختلاف و تناقض در قرآن؛ امکان فهم قرآن و گفتاری بودن آن؛ استفاده از منابع

مختلف قرآنی و منابع معتبر اهل سنت؛ ارائه مطالب با اسلوب منطقی همچنین، مطالب بیان شده را در این مقاله با زبان روان و قابل فهم برای هر نوع مخاطبی و هیچ نوعی پیچیدگی در بیان مطلب آن وجود ندارد.

دو- نقاط ضعف و منفی

لازم است که به نقاط ضعف و منفی مقاله اشاره کنیم و آن عبارتند از:

۱- جامع نبودن تعریف

واژه وحی در لغت، به معنای القا یا الهام تعریف شده است. با بررسی دقیق این تعریف لغوی این واژه بر اساس اقوال ارباب لغت، روشن می‌شود که القا و الهام معنای اصلی واژه وحی نیست. بر اساس لغت شناسانی هم چون احمد بن فارسی بن زکریا در مقایس اللغة، ۱۴۰۴: ۹۳/۶؛ راغب اصفهانی در مفردات الفاظ، ۱۴۱۲: ۸۵۸؛ زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۲۷۹/۲۰؛ مصطفوی، التحقیق، ۱۴۳۰: ۵۸/۱۳؛ که تصریح کرده‌اند معنای اصلی وحی یک چیز است (یعنی سرعت یا خفا) و سایر معانی از جمله القا؛ الهام؛ کتابت؛ اشاره کردن و... به آن باز می‌گردند.

۲- شباهت کامل شعر با وحی

در قسمتی دیگر، نگارنده ادعا کرده که عرب‌های زمان جاهلیت با شعر و سجع الکاهن با ویژگی‌هایی هم چون عربی بودن، خلاقانه بودن، که در سبک و ساختار با قرآن شباهت دارند آشنا بوده‌اند و آن‌ها بر اساس همان مبنی، وحی جدید پیامبر (یعنی قرآن) را فهمیده و با آن مخالفت کرده‌اند. ولی با توجه به دلایل عقلی، نقلی و تاریخی این ادعا درست نیست، زیرا فصاحت، بلاغت و خلاقانه بودن و سبک و ساختار قرآن مجید منحصر به فرد است و با شعر و سجع الکاهن عرب‌های زمان جاهلیت متفاوت است. خاصیت مثبت شعر را دارد اما شعر نیست و خاصیت نثر را دارد اما نثر هم نیست «لا شعر کشرکم و لا نثر کشرکم» بلکه یک ترکیب جدید است.

اگر شباهت کامل بین قرآن و شعر بود، چرا عرب‌های جاهلیت نتوانستند مثل قرآن بیاورند با این که آنها را تحدی کرده تا یک سوره مثل آن بیاورند. چگونه قرآن می‌تواند شعر شاعران و نثر کاهنان باشد، در حالی که شاعران و سخن‌وران بزرگ عصر جاهلیت شعر بودن متن قرآن را انکار نموده‌اند، ولید بن مغیره مخزومی سخن‌ور نیرومند عرب است که قرآن را این چنین معرفی می‌کند: «فوالله ما هو بشعر و لا بسحر و لا بهذی جنون و انّ قوله لمن کلام الله» به خدا سوگند قرآن نه شعر است و نه سحر و نه سخن‌گزارف گوی جن‌زده. بدون تردید گفتار او سخن خداست. و نیز وقتی آیاتی از سوره مؤمن از رسول خدا در نماز می‌شنود گوید: من سخنی از محمد شنیدم «ماهو من

كلام الإنس و لا من كلام الجن». نه كلام بشر است و نه كلام جن است و در ادامه میگوید: او برترین سخن است و بر دیگر سخنان برتری دارد. و سخنی دیگر بر آن برتر نخواهد بود. (طبری، جامع البيان، ۱۴۰۹: ۲۹ / ۹۸؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۱۴: ۶ / ۲۸۳).

هم چنین نصر بن حارث بن كلداه از سران قریش و مغز متفکر عرب آن عصر و دشمن پیامبر اسلام بوده است، به سران قریش میگوید: شما گفتید: او ساحر است، نه به خدا سوگند، هرگز به ساحری نمی ماند. گفتید: کاهن است، نه به خدا سوگند هرگز سخنان او مانند سخن کاهنان نیست. گفتید: شاعر است، نه به خدا سوگند هرگز رفتار او مانند دیوانگان نیست...» (ابن هشام، السیره، بی تا: ۱ / ۳۲۱؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۱۴: ۳ / ۱۸۰).

این سخنان دشمنان پیامبر اسلام و قرآن است که شعر بودن و سجع الکاهن بودن متن قرآن را مردود می دانند.

طفیل بن عمرو دوسی که از شاعران آن عصر و اشراف قریش بود، وقتی به محضر رسول خدا آمده آیه ای از قرآن را شنید، چنان در او تأثیر گذاشت که اسلام آورد و به سوی قبیله خود رفت و همگی آنان نیز اسلام آوردند (ابن هشام، السیره، بی تا: ۲ / ۲۵-۲۱).

آنیس برادر ابوذر غفاری که ابوذر گوید: «نیرومندتر از برادرم انیس، شاعری نیافتم» با دوازده شاعر نامی دوران جاهلیت مسابقه داد و بر همه برتری یافت. وقتی سخنان پیامبر را شنید گفت: مردم می گویند او شاعر یا کاهن یا ساحر است، ولی من سخنان نابهنجار کاهنان را شنیده ام و اوزان شعری را خوب یاد دارم، هرگز به آن نمی ماند. به خدا سوگند او راست می گوید و مردم درباره او دروغ می گویند (حاکم، مستدرک، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۳۹؛ صحیح مسلم، ۱۴۰۱: ۷ / ۱۵۳) و نیز سخن عتبه که آیه ای از سوره فصلت را شنید و گفت: به خدا سوگند! هرگز چنین سخنی شیوا را نشنیده بودم، به خدا سوگند نه شعر است و نه سحر و نه کهنانت. از بزرگان و سخن دانان عرب درباره قرآن چنین سخنانی به فراوانی در تاریخ ثبت است (ر. ک: معرفت، التمهید، ۱۴۲۹: ۴ / ۸۰ به بعد و علوم قرآنی).

هم چنین الهی بودن؛ اسرار آمیز بودن؛ علم حضوری بودن، امکان تعلم و تعلیم؛ خارج بودن از اختیار و... از ویژگی های خاص وحی و قرآن است که هم در شعر و هم در سجع الکاهن (که در نظر عرب های جاهلیت ارتباط با جن دارد) وجود ندارد (علوی مهر، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۶).

افزون بر آن، آیات قرآنی و روایات معتبر فراوانی وجود دارد که شعر بودن و کاهن بودن قرآن را انکار می‌کند: «وَمَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ. وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا تَدَّكُرُونَ. تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» (حاقه/ ۴۱-۴۴)؛ «و آن گفتار یک شاعر نیست، ولی جز اندکی ایمان نمی‌آوردید، و گفتار کاهن هم نیست، ولی جز اندکی متذکر نمی‌شوید. نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است».

۳- انحصار نمودن زبان قرآن به زبان عرف عام

نگارنده مدخل در اثبات الهی بودن متن و ساختار قرآن مجید اشاره کرده بر این که قرآن کریم را بر پیامبر اسلام ﷺ با زبان عربی که بلافاصله قابل درک برای مردم عادی می‌باشد، نازل کرده است. و در نتیجه قرآن با زبان عرف عام نازل شده است و نیاز به تفسیر ندارد. آری! شکی نیست بر این که قرآن مجید برای تمام مردم نازل شده و باید آن را به خوبی درک کنند. ولی آن به این معنا نیست که همه، باید محتوای قرآن را مساوی بفهمند؛ زیرا که قرآن مجید همانند هر متن اساسی می‌باشد که نمی‌تواند تمام مسایل ریز را در خود جای دهد و تنها به بیان عموماًت و کلیات اکتفا می‌کند، ولی تخصیصات، قیود، استثناءها، تعیین مصادق و... را به اهل فن واگذار می‌کند (میبدی، فقه القرآن: آیات الاحکام تطبیقی، ۱۳۹۶: ۳۴). بنابراین، برای فهم و درک دقیق مراد جدی خداوند متعال در آیات قرآن باید به پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان وی مراجعه کنیم. هم‌چنین خود قرآن مجید اشاره دارد بر این که آیات آن (از لحاظ روشن بودن آن) مساوی نیست؛ به این معنایی که برخی از آیات قرآنی محکم است و برخی دیگر متشابه است. و تنها خداوند متعال و راسخان در علم معنای واقعی آیات متشابه را می‌دانند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (نحل/ ۴۴)؛ «اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن کتاب، آیات محکم است [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن است] آن‌ها اصل و اساس کتاب اند، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که کلماتش غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار تفسیر نمی‌شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف [از هدایت الهی] است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیر [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می‌کنند، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آن‌ها را جز خدا نمی‌داند. و استواران در دانش [و چیره‌دستان در بینش] می‌گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی‌شوند».

بر این اساس، نمی‌توان بگوییم که زبان قرآن، فقط زبان عرف عام است؛ بلکه زبان عرف خاصی است که ترکیبی از زبان عرف عام، زبان ادبی، زبان علمی و... می‌باشد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۵: ۴/۳۱۹-۳۲۰).

۴- بررسی دیدگاه فضل الرحمن

فضل الرحمن از اندیشمندان مدرن، ارتباط تنگاتنگی بین قرآن و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی مطرح نموده است. در این دیدگاه به نوعی تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ عصر نزول اشاره شده است که مشابه دیدگاه برخی خاورشناسان مانند وات، بودلی، گلدزیهر است که محیط جغرافیایی جزیره العرب را مؤثر در متن قرآن دانسته‌اند. این نظریه مردود است زیرا اولاً: بنای اسلام این نبوده که تمامی آداب و عادات بشر را حتی آداب مثبت را از بین ببرد، بلکه تنها عادات و آداب منفی و ناپسند را ممنوع دانسته است.

ثانیاً: قرآن در مواجهه با فرهنگ عصر نزول و پدیده‌های اجتماعی و تاریخی آن به چند صورت برخورد نموده است: در برخی موارد عناصر مثبت آن را مانند مهمان‌نوازی، وفای به عهد و ماه‌های دوازده‌گانه را مورد تأیید قرار داده است. در برخی موارد به ویژه در حوزه مناسک حج مانند طواف و سعی و برخی احکام مانند تعدد زوجات و ارث و برخی مصادیق ازدواج و طلاق برخورد اصلاحی داشته است و در بسیاری از موارد مانند پدیده دخترکشی، ننگ دانستن فرزند دختر آن را مردود دانسته و در حوزه عقاید از جمله شرک و بت پرستی و شفاعت بت‌ها و... و برخی مسائل اقتصادی مانند ربا، رشوه و... را مردود دانسته و فرهنگ صحیح را ارائه داده است (ر. ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن «۴»، ۴۰-۱۶۰).

۵- عدم تمایز مراد از کتاب‌های مقدس

نگارنده در دو قسمت از این مقاله اشاره می‌کند بر این که قرآن مجید همانند تورات حضرت موسی و انجیل حضرت عیسی و کتب مقدس دیگر وحی است. به عنوان مثال، وی در فرازی از این مقاله چنین نوشته: «... آیات متعدد نشان می‌دهد که حتی در زمان حیات پیامبر، قرآن به عنوان کتاب آسمانی یا کتابی مانند کتب مقدس پیامبران پیشین (قبل از محمد بوده) (بینه/ ۱-۳) معلوم شده بود» (Leaman, The Qur'an: An Encyclopedia, p. 542). آری! مسلمانان با توجه به آیات متعدد قرآنی و روایات معصوم علیهم‌السلام معتقدند بر نبوت همه پیامبران الهی از حضرت آدم علیهم‌السلام تا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدون هیچ استثنا و هم‌چنین به کتاب‌های مقدس که بر برخی از آنها نازل شده بود ایمان دارند. ولی این به این معنا نیست که کتب مقدس موجود بین یهودیان و مسیحیان همان کتب اصلی

باشد که خداوند متعال به آن پیامبران نازل کرده بود. به عبارت دیگر، تورات موجود در نزد یهودیان امروزه غیر از تورات مذکور در قرآن است و انجیل معروف در نزد مسیحیان غیر از انجیل اصلی که در قرآن مجید توصیف شده است (نعمتی، مقایسه قرآن و عهدین، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

علاوه بر این، تعارض عهدین با عقل و علم قطعی، و وجود تناقضات در آن یکی از دلایل پدید آمدن رویکرد تجربه دینی و انکار وحی در قرون هیجده و نوزده بوده است. در میان متکلمان و دانش‌مندان یهود، در الهی بودن تورات اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آن‌ها، تورات را کلام الهی می‌دانند و برخی دیگری معتقدند که پس از حضرت موسی نوشته شده است. هم‌چنین متکلمان مسیحی نیز کتاب‌های رسمی عهد جدید را کلام خدا نمی‌دانند و آن را نوشته‌های اشخاص پس از حضرت عیسی می‌دانند (علوی مهر، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، ۱۳۹۴: ۱۷۲-۱۷۳). لذا عده‌ای از متکلمان مسیحی معاصر وحی را تجربه بشر می‌دانند. بنابراین، تورات و انجیل موجود عین کلام الهی (یعنی وحی) نمی‌دانند. البته دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر رد نظریه تجربه دینی وحی مطرح شده (همان، ص ۱۴۷-۱۴۱)؛ زیرا وحی یک نوع ارتباط خاص بین خداوند متعال با پیامبران است که از درون خود پیامبران سر چشمه نمی‌گیرد؛ بلکه مستقیماً از جانب خداوند متعال است.

نتیجه

دانشنامه قرآنی الیور لیمن، یکی از تألیف‌های مستشرقان پیرامون قرآن مجید است، و مدخل «وحی» توسط یک دانشمند و پژوهش‌گر مسلمان نگارش شده است. نقاط قوت و جهت مثبت نگارنده در این مقاله عبارت است از: اطلاعات نسبتاً جامع و مفید، معرفی پدیده وحی، ساده بودن زبان و روان بودن قلم، ذکر منابع و رعایت نظم منطقی در ارائه مطالب.

اما جامع نبودن و انحصار شدن تعریف لغوی وحی به معنای القای الهام؛ ادعای شباهت کامل شعر با وحی، عدم تمایز بین کتب مقدس در این نوشتار؛ اکتفا نمودن به نظریه علمای اهل سنت و عدم مراجعه به منابع معتبر شیعه، و نیز انحصاری بودن زبان قرآن مجید به زبان عرف عام از کاستی‌های آن به حساب می‌آید.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه، ۱۳۸۳ش.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صدر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. اسکندرلو، محمد جواد، علوم قرآنی، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹ش.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم الملايين، ۱۳۷۶ق.
۶. حیدری، عبدالله، وحی از دیدگاه بزرگان، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۲ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۴)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۹۵ش.
۹. علوی مهر، حسین، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش.
۱۰. فاکر میبدی، محمد، فقه القرآن: آیات الاحکام تطبیقی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ش.
۱۱. کریمی، مصطفی، وحی شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۱۲. مرتضی زبیدی، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
۱۴. معاونت پژوهش، مجموعه مقالات برگزیده همایش وحی شناسی، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸ش.
۱۵. نعمتی، پیرعلی، دل آراء، مقایسه قرآن و عهدین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۴ش.

16. Leaman, Oliver, (2006), The Qur'an: An Encyclopedia, New York: Routledge, First edition

17. <https://www.findanexpert.unimelb.edu.au/display/person13483>